

یوسف عزیزی، دانشجوی دکتری دانشگاه ویرجینیاتک آمریکا از نگاه مردم آمریکا درباره جنگ غزه می‌گوید

در آمریکا حتی اگر علیه اسرائیل شعار دهید، شناسایی می‌شوید



علی ملکی خبرنگار گروه نقد روز

با ادامه پیدا کردن جنگ غزه و تشدید جنایت‌های رژیم صهیونیستی، حتی مردم ایالت‌های مختلف آمریکا نیز به حمایت از فلسطین پرداخته‌اند. این روند کاملا غیرمسمو با سیاست‌های دولت آمریکاست. دولت آمریکا از ابتدای جنگ کمک‌های فراوانی به رژیم اسرائیل کرده است. حالا اما با فشار افکار عمومی و به‌خصوص قشر جوان مواجه شده که با طولانی شدن جنگ نسبت به ابعاد مختلف و البته پنهان آن آگاهی پیدا کرده است. در ادامه برای پی بردن به جزئیاتی بیشتر از حال‌وهوای ایالات متحده پس از طوفان الاقصی با یوسف عزیز، دانشجوی دکتری سیاستگذاری عمومی در دانشگاه ویرجینیاتک واشنگتن دی سی گفت‌وگو کردیم که در ادامه می‌خوانید.

در پایگاه شیعیان آمریکا چه خبر است؟

عزیزی با اشاره به اینکه دیترویت یا دیربون ایالت میشیگان پایگاه شیعیان آمریکا حساب می‌شود، گفت: «شیعیان بسیار زیادی به‌خصوص از لبنان، یمن و عراق به‌خاطر حوادثی که در دهه‌های ۱۹۷۰ به بعد در خاورمیانه اتفاق افتاد، مهاجرت کرده‌اند و بسیاری از آنان به آن قسمت‌ها رفته‌اند، چراکه این شهرها به‌دلیل گستردگی نیروی کار می‌خواستند. شهرهای دیترویت و دیربون ایالت میشگان ایالت شمالی آمریکا و نزدیک مرز کاناداست و این دو شهر در جنوب شرقی ایالت میشیگان هستند. در اینجا مقامات مسئول محلی از بین اعراب و شیعیان در رای‌گیری‌ها انتخاب می‌شوند. راهپیمایی روز قدس هم بسیار باشکوه برگزار می‌شود. شیعیان پاکستان آنجا هستند و به امام خمینی خیلی ارادت دارند. اگر شیعیان حضور داشته باشند- مخصوصا شیعیان لبنان، عراق، یمن و ایران- با حساب‌و‌کتاب ویژه‌ای مراسم- را برگزار می‌کنند. - نکته‌ای که روز قدس در کشوری مثل آمریکا دارد، این است که فعالان ایرانی و شیعه حوزه فلسطین با روز قدس ارتباط گرفته‌اند اما فعالان معمولی اهل سنت بیشتر با یوم‌النکبت و روزهای دیگری که خودشان دارند، ارتباط گرفته‌اند و راهپیمایی می‌کنند، مثلا در بوستون که بودم جمعیت نسبت به دیترویت خیلی کمتر بود. در یک میدان اصلی شهر جمع می‌شدند و بعضا اهل سنت هم بودند اما این قابل‌قیاس با چیزی نبود که در دیترویت بود. به‌رحال جمعیت می‌آمد و پرچم فلسطین یا بالا می‌گرفت و شعارهایی در مورد روز قدس سر داده می‌شد. در واشنگتن دی سی هم تا قبل از ماجرای کووید، رویه‌وری کاخ سفید یا با فاصله از آن در میدان مهمی جمع می‌شدند و تظاهرات و سخنرانی‌هایی داشتند که باز هم جمعیت نسبت به دیترویت کمتر بود.»

تهدیدهای کشورهای غربی بعد از ۱۷ اکتبر نسبت به افراد عادی بیشتر شده است

عزیزی درباره اختلاف بر سر روز برگزاری تجمع در آمریکا گفت: «نکته‌ای که اینجا وجود دارد، این است که خیلی‌ها در آمریکا می‌گویند در روز شنبه این مراسم را بگیریم برای اینکه روز تعطیل است و جمعیت بیشتری می‌آیند. اما خیلی‌ها هم اصرار دارند راهپیمایی همان روز جمعه باشد.

جمعه روز کاری است و خیلی‌ها نمی‌توانند شرکت کنند. در کشورهای غربی این مساله است و این نکته را باید درنظر بگیریم. به نظر من مساله اصلی این است؛ چراکه خیلی‌وقت‌ها دوستان ایرانی یا شیعه در برنامه‌هایی که اعراب دیگر با اهل سنت در مورد فلسطین برگزار می‌کنند، شرکت نمی‌کنند و دوطرف از این موضوع آگاهی ندارند. برای همین این‌گونه نیست که بگوییم در روز قدس چندان جمعیت یکپارچه‌ای می‌آید. کشورهای عربی هم رسانه‌هایشان در این حوزه مانور نمی‌دهند که اینجا هم در جریان باشند. نکته دیگری که وجود دارد، این است که تهدیدهای کشورهای غربی مخصوصا بعد از ۷ اکتبر نسبت به افراد عادی است که می‌گویند شعار ندهید و اگر این کار را انجام دهند آنها را شناسایی و از لحاظ شغلی و تحصیلی دچار مشکل می‌کنند. من در این زمینه یک تجربه شخصی دارم که وقتی در دانشگاه میشیگان بودم پلاکاردهایی میان دانشجویان کلاس پیش‌کردم. همین باعث شد حساسی جاروجنجال راه بیفتد. کسانی که یهودی یا اسرائیلی یا طرفدار اسرائیل بودند شروع به شلوغ کاری کردند. این یهودیان تندرو می‌گفتند عرب‌ها و مسلمان‌ها به جو‌زاظم، قدس می‌گویند و اینها می‌خواهند ما را در روز بریزند و این را امام خمینی و سپاه گفته است و برای گروه‌های تروریستی است! بنابراین افراد را از صحبت کردن می‌ترسانند. خود آمریکایی‌ها هم می‌ترسند در این زمینه‌ها صحبت کنند. آنها به‌شکل خصوصی پیام و ایمیل می‌دادند و می‌خواستند با من ابراز همدردی کنند که به‌عنوان یک دانشجوی بین‌المللی اینجا بودم و به‌خاطر انتشار یک پوستر در گروه دانشجویی یا محتوای راهپیمایی در دیترویت یا دیربون تحت فشار و تهاجم اینها قرار دارم. اینها نکاتی است که در مورد غرب وجود دارد. این نکته را هم بگویم که ایرانی‌های نسل دوم که به انقلاب اسلامی، امام خمینی و ولایت فقیه اعتقاد دارند در این راهپیمایی بسیار شرکت می‌کنند که با توجه به شغل‌های خیلی خوب‌شان باورکردنی نیست و این جای تعجب که نه، جای تحسین دارد.»

نسل جدید آمریکا علیه اسرائیل

عزیزی درخصوص تجربه شخصی خود در دیترویت گفت: «در دیترویت که رفته بودیم و من تازه هم به آمریکا آمده بودم یکی از سخنران‌هایی که آورده بودند استاد دانشگاه و آمریکایی هم بود و به قول خودشان یکی از وایت‌های آمریکایی بود. او آنجا تعبیر زیبایی را به کار برد که من بعدا بیشتر در مباحث جامعه‌شناسی و سیاسی آمریکا به آن پی بردم. می‌گفت اینکه دولت آمریکا و خیلی از آمریکایی‌ها با فلسطینی‌ها همدردی نمی‌کنند یا حتی طرف اسرائیل را می‌گیرند به دلیل سابقه و تاریخچه خود پیدایش آمریکاست. اروپاییان در قرن‌های ۱۵، ۱۶ و ۱۷ به این سرزمین که به قول خودشان به‌عنوان جهان تازه می‌شناختند آمده بودند که بتوانند ساکنان اولیه آمریکا را که ما به اشتباه در ایران آنها را سرخ پوست می‌نامیم بکشند و از آنجا برانند و منابع‌شان را به دست آورند. از آن طرف سیاه‌پوست‌ها و آفریقایی‌ها را هم به‌عنوان برده می‌آوردند و بازار برده‌فروشی و تجارت برده داشتند و همچنین اینها برایشان در زمین‌های کشاورزی کار می‌کردند. لذا پیدایش وجودی آمریکا چیزی شبیه به کاری است که اسرائیلی‌ها با فلسطینی‌ها کردند و اگر انتظار باشد که اینها بخواهند همدردی بکنند انتظار درستی نیست. هرچند که در نسل‌های

جدید و تفاوتی که در سیستم‌های آموزشی و بحث‌های اندیشه‌های آزاد

و لیبرالیستی که در یک قرن اخیر پیش آمده این شبیه به وجود می‌آید که این تناقض رفتاری آمریکا در سیاست‌های داخلی که همه آزادند و حق حاکمیت ملی، حق تعیین سرنوشت و اندیشه‌های اینها با حمایت از اسرائیل و رفتاری که در سیاست خارجی دارند جور درنمی‌آید و اینها را نسل جدید می‌داند. جالب است که حمایت از فلسطین در نسل‌های جدید آمریکایی خیلی بیشتر است. هرچند که نسل‌های قدیمی‌تر بیشتر طرفدار اسرائیل هستند و هرچقدر که شاخص‌های سنی پایین‌تر می‌آید همدردی آنها با فلسطینی‌ها بیشتر می‌شود. در آخرین نظرسنجی‌هایی که انجام شده مخصوصا در حزب دموکرات اکثریت با فلسطین همراهی می‌کنند نه اسرائیل. البته بدنه دموکرات‌ها را می‌گوییم و آنها که طرفدار حزب دموکرات هستند نه سران‌شان. همچنین خیلی از سخنران‌هایی که می‌آیند امامان جماعت مساجد سنی و شیعه هستند؛ و در این بین فعالان سیاسی و گروهی از یهودیان آمریکایی که ضداسرائیل هستند هم شرکت می‌کنند و اساتید آمریکایی هم اگر دعوت شوند می‌آیند و صحبت می‌کنند و در کل قشرهای مختلفی حضور دارند.»

از شیرینی فروشی‌های حامی فلسطین خرید نکنید!

این دانشجوی دکتری سیاستگذاری عمومی می‌گوید که طیف‌های گسترده‌ای در آمریکا در درگیری‌های مربوط به فلسطین حضور دارند. وی توضیح داد: «در این زمینه یک طیف بسیار گسترده و عظیمی در آمریکا وجود دارد که در بحث‌ها و درگیری‌های مربوط به این موضوع حضور دارند و بحث‌های گسترده‌ای در حوزه دانشگاهی و آزادی بیان شکل می‌گیرد. خیلی طیف بزرگی و از همه گروه‌ها نیز هستند. گروه‌هایی که حق را کاملا به اسرائیل می‌دهند و به دلایل مختلف معتقدند که «آمریکا باید در همه وجوه به اسرائیل کمک کند و اصلاح‌کاری با فلسطینی‌ها نداشته باشد.» این صحبت‌ها هم در دانشگاه و هم در میان مردم عادی مطرح می‌شود. البته در میان مردم عادی حرف‌هایشان تندتر است. مثلا می‌گویند تمام فلسطینی‌ها را باید کشت. گروه‌ها و لابی‌های یهودی سرمایه‌دار نیز هستند و زمان می‌گذارند و با سیاستمداران کار می‌کنند. گروه‌هایی هستند که در دانشگاه لابی‌هایی راه انداختند. این گروه‌ها کارمدانی استخدام می‌کنند که اساتید و دانشجوهایی که در کلاس‌ها در مورد فلسطین صحبت می‌کنند را مورد هجمه قرار می‌دهند. مثلا در اینجا مغازه‌هایی مثل شیرینی‌فروشی و کافی‌شاپ‌هایی هستند که با فلسطینی‌ها همدردی می‌کنند یا صاحبان‌شان فلسطینی هستند و می‌گویند ما بخشی از سود خود را برای غزه و کمک به گرسنگان می‌فرستیم. آنها وب‌سایت‌هایی راه انداخته‌اند و می‌گویند از اینها خرید نکنید، یعنی حتی مغازه‌ها و مغازه‌دارها را هدف قرار داده‌اند و مغازه‌هایی را معرفی می‌کنند که از اسرائیل حمایت کنند. طیف‌هایی هم داریم که در طرف مقابل هستند و بیش از ۴۰ ماه است که مقابل خانه آقای پلینکن چادر زده‌اند و اعتصاب کرده‌اند. هر زمان که بلینکن بیرون می‌آید شروع به شعار دادن می‌کنند. جلوی سفارت اسرائیل هم می‌روند به‌خصوص بعد از خودشوزی سرباز آمریکایی گروه‌هایی مرتبا آنجا هستند که شعار می‌دهند و از فلسطین حمایت می‌کنند. گروهی هم داریم در آمریکا

شناسایی می‌شوید

که صبح تا شب را در جامعه آمریکایی که همه باید از صبح تا شب کار کنند و بدوند تا شب گرسنه نخوابند شبانه‌روز خود را گذاشته‌اند و فعالیت‌های اینچنینی می‌کنند تا صدای مردم فلسطین باشند. از ۷ اکتبر یک طیفی طرف اسرائیل کار می‌کنند و پرچم می‌گردانند. البته تعدادشان نسبت به فلسطینی‌های فعال خیلی کمتر است و قابل‌قیاس نیستند اما آنها قدرت پول و حاکمیتی دارند که طرف‌شان هست. این سمت هم فلسطینیان از گروه‌ها و قشرهای مختلفی هستند که در شرق و غرب و جنوب و شمال و همه‌جای آمریکا فعالیت می‌کنند. جلسات حزب دموکرات و جلسات حزبی آقای بایدن را به چالش می‌کشند که به آنها نشان دهند شما سیاست دوگانه و دورویی را در اینجا ادامه می‌دهید.»

هر چقدر از جنگ می‌گذرد درصد کمتری از آمریکایی‌ها موافق ادامه جنگ می‌شوند

یوسف عزیز درباره تاثیر طولانی شدن جنگ بر افکار عمومی گفت: «تاثیر بلند مدت ۱۷ اکتبر از نظرسنجی‌ها مشخص است؛ مثالاویل جنگ اوکراین، آمریکایی‌ها خیلی کاری نداشتند و حرف دولت و رسانه‌های دولتی را قبول می‌کردند. اما بعدا با گسترش بیش از حد و طولانی شدن جنگ، نظرهایشان بر این شد که حالا نه اینکه آمریکا اوکراین را رها کند یا طرف روسیه باشد ولی کار را به سمت صلح پیش ببرد. یا اینکه بودجه آمریکایی‌ها باید در آنجا آقدر هزینه شود. در آنجا بحث حقوق بشر هم ضدروسیه بود و به نفع اوکراین و این قابلیت تبلیغ را داشت اما در بحث فلسطین به دلیل حادثه ۷ اکتبر و تبلیغاتی که اینها می‌کردند در ابتدای امر اینگونه نبود که با فلسطین همدردی شود ولی وقتی جنگ گسترده شد و این خشونت‌ها و کشتارها و اتفاقات رخ داد اگر این داده‌های خام را ببینیم بچه‌هایی که کشته می‌شوند و جنایت‌های دیگر تصویر را کاملا برگرداند و این سوال پیش آمد که آمریکا چرا اقتدر دارد به اسرائیل کمک می‌کند؟ بحث هزینه‌های نظامی خیلی مطرح شده بود و اینکه این هزینه‌ها چرا انجام می‌شود؟ به هر حال جنگ وقتی طولانی می‌شود نظرات برمی‌گردد مخصوصا در قشر ۱۸ تا ۲۴ این مساله خیلی روشن‌تر است و اینها خیلی فعال‌تر هستند؛ به‌خصوص در انتخابات. دلیل ترس بایدن هم دقیقا همین است، زیرا معمولا همین‌ها فعالیت‌های اصلی اجتماعی را جلو می‌برند و فعالیت‌های تبلیغی انجام می‌دهند. درست است عرب‌ها و مسلمانان هم که در آمریکا اقلیت هستند، اینها هم سر و صدا کردند و شلوغ‌کاری کردند؛ لذا نکته‌ای که وجود دارد این است که هر چقدر از جنگ می‌گذرد این علامت سوال‌ها بیشتر می‌شود و درصد کمتری موافق ادامه جنگ هستند و می‌گویند که هرچه زودتر صلح برقرار شود و آمریکا نقش فعالانه‌تری در برقراری این صلح داشته باشد یا حداقل به مردم غزه کمک‌رسانی کند. اینها در نظرسنجی‌ها مشخص شده است. اگر بخواهم کلی بگویم این مسائل فلسطین و اوکراین چیزهایی نیست که برعکس حال و هوای کشور ما به‌عنوان نکته اول و آخر مردم آمریکا مطرح باشد. علی‌رغم اینکه نظرات متفاوت و فعالی وجود دارد، اکثریت آمریکا برایشان دغدغه نیست؛ صرف اینکه بحث دولتی و دولتی و صلح و آرامش و با هم باشیم و اینها بایند و آنها خوبند، موقفا در همین حد است. در مسائلی که پیچیده و حساس می‌شود دخالت نمی‌کنند، چراکه می‌دانند با زدن یک حرف کوتاه ممکن است که شغل‌شان را از دست بدهند، به همین دلیل اهمیت خاصی برایشان ندارد.»

پشت‌صحنه ایده جاه‌طلبانه ترکیه درباره حبس ۸۳ درصد آب ارس چیست؟

سلطانیسم؛ زندانبان ارس



زینب مرزوقی خبرنگار گروه نقد روز

در چند سال اخیر برخی محیط‌زیستی‌ها بارها تکرار کرده‌اند که جنگ جهانی سوم بر سر آب خواهد بود. شاید در برداشت اول از این جمله، به نظر ما جمله اظهارنظری اغراق شده باشد. شاید هم یک تصویر ساده از کمبود آب و خشک شدن منابع آبی یک منطقه یا یک کشور در ذهن مان تصویر شود، اما اگرچه به‌طور قطع یا علنی اما در سال‌های اخیر، کشمکش‌ها و مناقشات بسیاری پیرامون حقیابه رودهای مرزی در نقاط مختلف جهان اتفاق افتاده است.

در خاورمیانه این امر پررنگ‌تر بود و از قضا یکی سر این مناقشات و کشمکش‌ها هم ایران بود، اما خروجی این مناقشات چیزی جز انفعال از سوی دستگاه دیپلماسی محیط‌زیست کشورمان نبود و برای مثال همچنان سرنوشت هیرمند مبهم و نامعلوم است و مسئولان ما نتوانسته‌اند حقیابه لازم هیرمند را از سمت افغانستان به سوی کشور ما روانه کنند. همچنین آن‌گونه که در خبرها منتشر شده، ترکیه درتلاش است سیاست‌های خصمانه خود در حوضه آبخیز ارس را تشدید ببخشد و از مهر ۸۳ درصد از کل منابع حوضه آبخیز ارس را به‌عنوان یک ابزار قدرت برای ارمدا از سوی سیاست‌های خود استفاده کند. پیش از این نیز اثر سدسازی‌های پروژه گاپ در خشکسالی‌های اخیر عراق، سوریه و ایران مشخص شده بود و اکنون همه کارشناسان در رابطه با زیاده‌خواهی‌های این کشور در حوضه آبریز رودخانه ارس هشدار می‌دهند. جمعی از اساتید دانشگاه تهران در این‌باره مطالعاتی انجام داده‌اند. در این مطالعه نشان داده شده ترکیه با جلوگیری از ورود آب به سایر کشورهای این حوضه قصد دارد ۸۳ درصد پتانسیل رود ارس را مهار کند. در این مطالعه آمده کشور ترکیه تا پیش از سال ۲۰۰۰ میلادی، تنها چهار سد با مجموع ظرفیت ۲۶۱ میلیون مترمکعب در حوضه رودخانه ارس به‌په‌بوداردی رسانده بود اما طی دو‌دهه پس از تاریخ مذکور، یعنی تا سال ۲۰۲۰ با ساخت پنج سد دیگر با مجموع ظرفیت ۸۴۶ میلیون مترمکعب، قادر به مهار یک میلیارد ۴۶۸ میلیون مترمکعب از آب رودخانه ارس شده است. ظاهرا مقامات ترکیه به همین میزان هم قانع نشده‌اند و از سال ۲۰۱۴ احداث هفت سد دیگر در حوضه ارس را شروع کرده‌اند. این سدها درمجموع ظرفیتی معادل یک میلیارد و ۸۷۴ میلیون مترمکعب دارند. علاوه‌بر این هفت سد، برنامه‌ریزی برای هفت سد دیگر نیز در دست‌ورکار مقامات ترکیه قرار گرفته که برابر اطلاعات منتشرشده مجموع ظرفیت آنها ۴۰۱ میلیون مترمکعب است.

این یعنی پس از ساخت تمامی سدهای برنامه‌ریزی شده و در دست احداث، ترکیه قادر خواهد بود سه میلیارد و ۷۲۳ میلیون مترمکعب آب را در این حوضه آبریز فرامرز ی مهار کند. این درحالی است که برابر اطلاعات DSI، میانگین پتانسیل حوضه رودخانه ارس در کشور ترکیه برابر با



چهارمیلیارد و ۴۷۲ میلیون مترمکعب است. درواقع ترکیه برنامه‌ریزی کرده که بیش از ۸۳ درصد پتانسیل حوضه آبریز ارس را در خاک خود کنترل و مهار کند؛ موضوعی که تأثیری عمیق بر پایین‌دست رودخانه خواهد گذاشت.

۸۳ درصد ارس پشت‌سدهای ترکیه

محمد درویش، فعال محیط‌زیست یادآوری کرد که رودخانه ارس یکی از رودخانه‌های راهبردی برای کشور ایران، ترکیه، آذربایجان و ارمنستان است. او گفت: «رودخانه ارس از سلسله جبال آرارات سرچشمه می‌گیرد و سال‌های‌سال است این کشورها از منافع مشترک ارس استفاده می‌کنند. اما اگر این سدهای جدیدی که ترکیه می‌خواهد در قالب پروژه گاپ بسازد، اجرا شود؛ معادله به‌هم می‌خورد. الان کل آورد رودخانه ارس چیزی حدود چهارمیلیارد و ۴۷۲ میلیون متر مکعب است. اکنون ترکیه می‌خواهد سه‌میلیارد و ۷۴۳ میلیون متر مکعب مخزن روی ارس بسازند، یعنی ۸۳ درصد کل رودخانه ارس است و تنها ۱۷ درصد از آورد رودخانه برای کشورهای ایران، آذربایجان و ارمنستان باقی می‌ماند. فکر می‌کنم اگر آذربایجان که دولت دوست و متحد ترکیه در بین این سه کشور نبود، احتمالا آن ۱۷ درصد را هم رها نمی‌کرد. اگر این اتفاق بیفتد، کل معادلات را به‌هم می‌ریزد، یعنی کل کشت و صنعت‌هایی که ایران، آذربایجان و ارمنستان دارد تحت‌تاثیر این تصمیم و سدسازی‌ها قرار می‌گیرند. به‌خصوص کشت و صنعت مغان به‌شدت آسیب خواهد دید. بحرانی که به‌وجود می‌آید فقط محیط‌زیستی نیست، یعنی به‌جز اینکه چشمه‌های تولید گودو خاک افزایش پیدا می‌کند، بلکه بحران اجتماعی و امنیتی هم ایجاد خواهد شد.»

برخوردارند، نباید به‌نحوی از این حوضه‌های برداشت کنند که برای مردمی که پایین‌دست این حوضه‌ها قرار دارند، مشکل ایجاد شود، مثلا کشور نجریه و مصر هم بر سر نیل درگیر چنین ماجرابی هستند. در خیلی از کشورهایی که رودخانه مشترک دارند، درگیر چنین مسائلی هستند. آمریکای لاتین، رودخانه آمازون و کشورهای پایین‌دست آمازون نیز همین اختلاف‌ها وجود دارد. منتها ترکیه به این کنوانسیون نپیوسته و امضا نکرده است. اما چون امضا نکرده است، دلیل نمی‌شود بی‌قانونی کند، مثلا وقتی شما کنوانسیون حقوق بشر را نمی‌پذیرید، دلیل نمی‌شود اصول حقوق بشر را نپذیرید و نسل‌کشی به‌راه بیندازید. بالاخره مجامع قانونی بین‌الملل از این امر جلوگیری می‌کنند و ممکن است کار به دادگاه لاهه هم بکشد. در اینجا هم همین‌طور است.»

می‌توان پای سازمان ملل را وسط کشید

درویش همچنین گفت ترکیه بسیار مایل است که به اروپا بپیوندد و این‌گونه سیاست‌های ترکیه می‌تواند اصول بین‌الملل را زیرسوال ببرد و امکان دارد که به این مسائل حساس شود. وی با این استدلال تأکید می‌کند اکنون باید ایران با کشورهای هم‌موضع خود، وارد مذاکرات جدی شود، حرف‌های مشترک پیدا کنند و بعد با قدرت بیشتری وارد معاملات با ترکیه شوند. این فعال محیط‌زیست ادامه داد: «معاون یو ان تی‌پی سازمان ملل نیز در این حوزه تحریک و وارد این ماجرا شود. سال گذشته این شخص برای مساله ریزگردها دعوت شد و به ایران آمد و گفت اگر به‌موقع اطلاع پیدا و گزارش‌های مستندی از سوی ایران دریافت می‌کردیم، مواضع‌مان در رابطه با پروژه گاپ این‌گونه نبود. اما ایرانی‌ها هیچ اقدام موثری در آن دوره انجام نداده‌اند و ما فکر می‌کردیم در آن زمان قربانیان این پروژه فقط عراق و سوریه هستند. الان این فرصت وجود دارد که ایران موثرتر وارد شود.»

ن نباید مساله را دست‌چندم تلقی کنند

او در پاسخ به «فرهیختگان» درباره تاثیر تعاملات سیاسی در جریان پیش بردن این مساله گفت: «متاسفانه همین تنش‌های سیاسی باعث شده نتوانیم با یکدیگر بر سر یک موضوع مشترک به توافق برسیم. ایران یکی از بزرگ‌ترین شرکای تجاری ترکیه است و به‌رحال ترکیه دوست ندارد این متحد و این شریک تجاری را برنجانند. من فکر می‌کنم مذاکرات می‌تواند سودمند باشد و ما به یک حقیابه برای هر چهارکشور برسیم.»
درویش درباره اهمیت موضوع و تلاش‌های مسئولان کشورمان برای مذاکره با ترکیه در پایان گفت: «من هیچ تحریکی را در وزارت خارجه، وزارت نیرو و سازمان حفاظت محیط‌زیست نمی‌بینم. مطلقا هیچ تحریکی وجود ندارد. درصورتی‌که آثار زیانبار حذف سه میلیارد متر مکعب از حقیابه ارس به‌مراتب از حمله موشکی دشمن هم بیشتر است، بنابراین اتفاقا دیپلماسی ایران در اینجا باید قوی عمل کند و نباید به‌دلیل اشتغالات دیگر دولت، این مساله را دست‌چندم تلقی کند. به کارهای قوی رسانه‌ای نیاز داریم. حداقل کمیسیون امنیت ملی باید ورود کند.»



یکشنبه ۱۹ فروردین ۱۴۰۳



شماره ۴۱۰۸



WWW.FDN.IR



FARHIKHTEGANDAILY